



همزمان با ورود هیات افغان برای حضور در اجلاس اکو در ایران «رویا رحمانی» مدیر کل اداره همکاری‌های منطقه‌ای وزارت امور خارجه افغانستان این هیات را همراهی می‌کرد، او در نوجوانی و زمانی که هنوز ۱۲ساله بود به‌همراه خانواده افغانستان را ترک کرد. روحمانی تحصیلات خود را در رشته حقوق بین‌الملل در کشورهای کانادا و آمریکا ادامه داد. او با وجود امکانات شغلی و رفاهی در کانادا، به وطن بازگشت تا بتواند تا آنجا که ممکن است در مسیر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان یک زن مدیر در بدو ورود به افغانستان کارش را با فعالیت مدنی آغاز کرد و ریاست دفتر نمایندگی یکی از ان‌جی‌اوه‌ای بین‌المللی را برعهده گرفت. رفته‌رفته برای حضور در وزارت امور خارجه افغانستان از او دعوت شد و حالا او از جمله مددو مدیران زن حاضر در وزارت امور خارجه افغانستان است. او در گفت‌وگو با «شرق» از تمام بیم‌ها و امیدهای گذشته که در دوران مدیریتش با آن مواجه شده، تجربه حمایت‌ها و کارشنکتهای در مواجهه با یک زن مدیر در ساختار مردانه قدرت در افغانستان، روایتی است که رویا رحمانی با ما در میان گذاشته است. با وجود تمام تلاش‌های دولت افغانستان و اختصاص ۲۰درصد از کرسی‌های پارلمان به زنان، هنوز زنان افغان مسیر طولانی‌ای برای رسیدن به موفقیت پیش‌رو دارند. او در روایت از تجربه شخصی‌اش به دورانی اشاره دارد که حتی مردها به‌سادگی پذیرای حضور او در قالب رئیس هیات یا مینر مذاکره نبودند و بیشتر چشم‌انتظار حضور یک مدیر مرد می‌ماندند. اما رفته‌رفته برخی مسایل در حال تغییر است، اگرچه تنها دوزن در رحمانی، در آخرین ساعات حضورش در ایران در یکی از هتل‌های شمال تهران انجام شد، او آمده بود تا هیات افغان‌ها را در مذاکرات اکو در ایران همراهی کند. او از جمله مددو مدیران زن حاضر در اجلاس اکو بود که راهی ایران شده بود.

۱۲ در سال ۲۰۰۴ در فضایی نه‌چندان امن به افغانستان بازگشتید، با وجود تجربه چندسال زندگی خارج از افغانستان چه‌چیز باعث شد به فکر بازگشت و فعالیت در داخل کشور بقیفید؟

من در این کشور متولد شدم و افغانستان، فرهنگ و مردم آن برای من بسیار مهم است. زندگی در خارج از کشور از لحاظ معنوی برای من راضی کننده نبود. من با دغدغه‌های بزرگ شده بودم و مملکت خود را به‌خوبی می‌شناختم. فکر می‌کردم با زندگی در خارج از افغانستان از عمر خود استفاده مفیدی نمی‌کنم و مشرمر نمی‌نویسم.

۱۲ از آن زمان که شما افغانستان را ترک کردید، تا تاریخی که به کشور بازگشتید، چه چیزهایی تغییر کرده بود؟

تصویر دوران کودکی من بسیار متفاوت از وضعیت جدید افغانستان بود، تا آنجا که حتی تلاش می‌کردم تصویر دوران کودکی‌ام را بازنمایم. همه‌چیز، از ساختمان‌ها گرفته تا خیابان و حتی نحوه پوشش مردم تغییر کرده بود. اما عجیب‌ترین نکته برای من قومیت‌گرایی مردم بود. در دوران کودکی من، تفاوت‌های قومیتی و زبانی به هیچ عنوان مطرح نبود اما متأسفانه هنگام بازگشت، متوجه شدم قومیت‌گرایی بسیار بیشتر شده است.

۱۲ تحلیل شخصی شما از علت این تغییر چیست؟

ترجیح می‌دهم در این مورد صحبت نکنم.

۱۲ چه تغییری در موقعیت زنان مشاهده کردید؟ در گذشته زن افغان به‌راحتی در مشاغل مختلف کار می‌کرد اما به نظر می‌رسد حضور زنان در فضای امروز افغانستان کم‌رنگ‌تر از گذشته است.

کشور ما در دهه‌های گذشته شاهد تغییرات مختلفی بوده است، در دوران کودکی من، مشکل اساسی ما جنگ بود، وقتی در کشور جنگ باشد برای زنان مشکل ناشی پررنگ‌ترین مساله است. در آن دوره اگر چه دختران مکتب می‌رفتند و از

گفت‌وگو با مدیر کل همکاری های منطقه‌ای وزارت امور خارجه افغانستان:

قومیت گرایی پیش‌تر در افغانستان این‌همه مساله‌ساز نبود



خانه خارج می‌شدند اما ناامنی‌های ناشی از جنگ تاثیرات منفی زیادی بر زندگی زنان می‌گذاشت، کشور ما چالش‌های مختلفی را از سر گرفته‌اند است؛ جنگ‌های داخلی، طالبان، تحولات بعد از ورود نیروهای خارجی وب، با این حال دستسواردهای خوبی هم داشته‌ایم. برای نمونه قانون اساسی فعلی، حقوق بسیار خوبی برای تمامی اتباع افغانستان تعیین کرده است. در قانون اساسی جدید جایگاه زنان به‌عنوان شهروند و عضو جامعه مشخص است و حقوق اسلامی و انسانی آنان لحاظ شده است. به‌طور کلی قوانین جدید مبدا خوبی برای پیشرفت زنان است. بر این اساس فکر می‌کنم هنگام بازگشتم در سال ۲۰۰۴، با وجود تاثیرات منفی فیزیکی و روانی جنگ، تغییرات بسیار مثبتی هم می‌دیدم. زنان بیرون از منزل مشغول به کار بودند، امکان تحصیل برای آنها فراهم‌بود و قانون اساسی به‌خوبی تغییر یافته و تبعیض‌های مثبت برای جبران محرومیت‌های پیشین زنان اعمال شده بود. حالا در پارلمان افغانستان بیشتر از ۲۰درصد نمایندگان زن هستند.

۱۲ فعالیت‌های مدنی شما در

میهن، با کار در ان‌جی‌اوه آغاز شد.

حضور زنان در صحنه‌های قدرت و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهایی چون افغانستان همواره با چالش‌هایی روبه‌رو است، تجربه فعالیت در ان‌جی‌اوه و مسایل رو به‌روی شما چطور بود؟

در زمان تحصیل در کانادا در فعالیت‌های خیریه و غیردولتی فعالیت زیادی داشتم و با ان‌جی‌اوه آشنایی

داشتم، هنگام بازگشت به افغانستان من به پیشنهاد شد ریاست یک ان‌جی‌او در افغانستان را بپذیرم و من هم کارم را در قالب فعال نهادهای مدنی آغاز کردم. اما واقعیت این است که برای حضور و مشارکت زنان در کشور ما هنوز هم مبارزه در جریان است. در سال ۲۰۰۴ من در مقام رییس یک سازمان بین‌المللی غیردولتی، با مقاومت‌ها و حتی می‌توانم بگویم حسادت‌هایی روبه‌رو بودم. علت این واکنش‌ها علاوه بر زن‌بودن من، سن کم، زندگی در خارج از کشور و حتی پست سازمانی من بود. چرا که پستی بلندپایه در سازمانی بود که از ان‌جی‌اوه‌ای دیگر حمایت مالی می‌کرد. در آن زمان حضور خارجی‌ها در افغانستان به‌قدری فراگیر بود که افغان‌ها به‌ندرت در راس سازمان‌ها قرار داشتند. روسای سازمان‌های دولتی همه مرد بودند و من تنها زن افغان در راس یک سازمان غیردولتی بین‌المللی بودم. آن دوران برای من بسیار آموزنده و به نظر خودم موفقیت‌آمیز بود.

۱۲ به‌طور خاص در امور مربوط به زنان، ان‌جی‌او در زمان ریاست شما چه فعالیت‌هایی انجام داد؟

در راستای ظرفیت‌سازی، با مشاورانی استخدام کرده بودیم که با ان‌جی‌اوه‌ای فعال در امور زنان همکاری و ظرفیت‌هایی را برای فعالیت زنان ایجاد می‌کردند. همچنین در مسایل حقوقی، فعالیت‌های بسیاری داشتم. در راستای اصلاح قانون خانواده، برای تصویب طرح جدید ثبت ازدواج‌ها تلاش کردیم؛ طرحی که

موضوع گری می‌کنند. اما بعد از ورود به مباحث کم‌کم رفتارشان تغییر می‌کند.

۱۲ پس از معرفی و آغاز به‌کار شما در وزارت امور خارجه افغانستان، تغییر در رفتار همکارانتان به وجود آمد؟

برای بعضی واقعا مشکل است که بپذیرند یک زن می‌تواند موازی با آنها و همراه با آنها در عرصه کار وارد شود، ولی در کل، بعد از واردشدن به مذاکرات و همکاری‌ها، رفتارها تغییر می‌کند و به نظر می‌رسد زن‌بودن مرا فراموش می‌کنند. این تغییر، انرژی و وقت زیادی می‌گیرد. با این حال همیشه هر جایی که می‌روم اول یک زن هستم و بعد از آن یک دیپلمات، مدیر کل، مسئول پروژه و…

۱۲ در حوزه کاری خود-تان، اداره همکاری‌های منطقه‌ای وزارت امور خارجه، جز ایران با چه کشورهایی همکاری دارید؟ منطقه مورد تمرکز ما بر امنیت، ثبات، اقتصاد و رفاه افغانستان تاثیر گذار است. این منطقه منحصر به کشورهای هم‌مرز با افغانستان نیست، برای نمونه روابط ما با کشورهای روسیه، امارات، ترکیه، چین، آذربایجان و ۱۴ کشور دیگر در منطقه استوار است. ۱۲ تعاملات با این ۱۴ کشور در طول مدت فعالیت شما به چه

سمتی رفته و به نظر شما آیا امیدوار کننده بوده است؟

است و این امر یکی از ستون‌های اساسی سیاست‌های خارجی افغانستان را تشکیل می‌دهد. ما معتقدیم رفاه ما در گرو رفاه منطقه است و مشکلات ما با مشکلاتی که ممکن است در منطقه ایجاد شود در ارتباط است. پروژه‌های زیادی را همراه با کشورهای منطقه در دست داریم که تعدادی از آنها عملی شده است، چشم‌انداز ما این است که همکاری‌ها هم برای افغانستان و هم برای دیگر کشورهای منطقه آینده‌ساز است. من از وقتی که وارد وزارت شدم،امسول پیشبرد پروژه استانبول یا قالب آسیا هستم و امیدوارم این پروژه بتواند کشورهای منطقه را به هم نزدیک کند. بهتر است منافع مشترک را بهتر ارزیابی کنیم و از چالش‌های مشترک به‌عنوان یک عامل نزدیک‌کننده استفاده کنیم تا در مبارزه، با این چالش‌ها موفق تر باشیم.

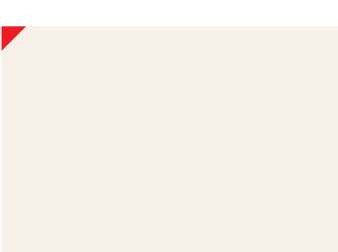
۱۲ در مدت حضور-تان در ان‌جی‌او و همچنین دولت افغانستان چه کارهایی برای بهبود شرایط زنان انجام داده‌ایدو چه ایده‌هایی برای آینده زنان افغانستان دارید؟

تمرکز فعالیت‌های من در حوزه کاری من است، زن‌بودن من یک حقیقت است اما من نباید به این فکر کنم که به‌لحاظ زن‌بودنم چه باید بکنم، بلکه باید به‌عنوان مدیر کل همکاری‌های منطقه‌ای فکر کنم، گذشته از اینکه زن هستم یا مرد. به همین خاطر مسوولیت‌های من مشخص است. ولی از این نظر که کار من چه اثری می‌تواند داشته باشد، فکر می‌کنم همین که من به‌عنوان یک زن در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی کشور فعالیت می‌توانم برای دیگر زنان تشویق‌کننده باشد. انسان پرورده علمت خویش است و این عادت‌ها در ذهن او پذیرفته می‌شود.

تصور می‌می‌تواند عادات ذهنی را برهم زند. البته منظورم تخریب افکار نیست، چرا که برای حضور ما از نظر حقوق اسلامی و قانون اساسی مشکلی نیست. مساله دیگر نهادهی‌شدن حضور عمومی زنان در پست‌های مختلف سیاسی و اجتماعی است. باید باور داشته باشیم این حضور برای همه منفعت دارد و به ضرر مردان یا خانواده‌ها نیست. حضور من برای خود زنان هم می‌تواند مدل متفاوتی را ارائه کند، برای زنانی که خواهان فعالیت در عرصه عمومی هستند نکته دیگر اینک، من به‌عنوان یک انسان به این عرصه علاقه داشتم و در این زمینه تحصیل کردم پس چرا حق نداشته باشم در این موضوعات سهم داشته باشم و فعالیت کنم.

۱۲ سواى موقعیت شما در وزارت امور خارجه، رویا رحمانی چه نگرانی‌ها و امیدواری‌هایی درباره زنان افغان دارد؟

من بسیار امیدوارم افغانستان بتواند موفقیت‌هایی را که در عرصه‌های مختلف با مشارکت زنان به دست آورده از زمیند بدارد و به این ترتیب زمینه امید و پیشرفت را برای نسل آینده مملکت فراهم کند. نگرانی من این است که متأسفانه در بسیاری از اوقات در چانه‌زنی‌های سیاسی از مسایل زنان به آسانی چشم‌پوشی می‌شود. این مساله به این خاطر است که مردم مسایل مربوط به زنان را مهم نمی‌دانند. اگر طرز تفکر تغییر کند و افراد به لحاظ شایستگی‌ها و علاقه‌مندی‌ها دیده و گزینش شوند، مسایل جامعه افغان حل خواهد شد.



ارتباط با سازمان‌های دولتی فاسد و ناکارآمد، آلوده شده بودند. بنابراین دولت تلاش کرد تا در تانکتیک‌های خود نرمش نشان دهد. از آزار و اذیت‌ها کاسته و به مساجد سلفی اجازه فعالیت داده شد و همچنین کمیسوینی برای بازسازی مبارزان تشکیل یافت. ظهور سلفی گرایی مبانه‌رو موجب شد تا از تعداد جوانانی که جذب تروریست‌ها می‌شدند کاسته شود. «یکاترینا سوگیر لانسکایا» دنبال‌کننده مسایل قفقاز در «گروه جهانی بحران» اعتقاد دارد که «مردم آنها [سلفی‌های میانه‌رو] را جایگزینی برای مبارزه مسلحانه می‌دانند.» «گئورگی جودوف» رییس «گروه قفقازی» که یک گروه دیده بان حقوق بشر است می‌گوید «تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها در افغانستان در سال ۲۰۱۲، ۵۱ درصد کاهش داشته است.» این سلفی‌گری جدید اما تهدیدی برای گروه‌های تندرو و مقام‌های فاسد دولتی است. مسکو نیز با دیده تردید به این سازمان‌های اسلامگرا می‌نگرد که تلاش دارند خود را جایگزینی برای دولت روسیه در منطقه قلمداد کنند. پس از آنکه پوتین مجدداً به ریاست‌جمهوری برگزیده شد، مسکو تصمیم به رفتاری سخت‌تر گرفت. رئیس‌جمهور ن‌رم‌خوی دافستان جای خود را به گزینه‌ای سنگین‌تر داد و «کمیسوین بازسازی» تعطیل شد. عملیات اخیر برضد شورشیان در منطقه کوهستانی «گیمری» منجر به جابه‌جایی کل جمعیت از ناحیه شد. آقای «جودوف» اینگونه [باکساری‌ها] را بخشی از تارکارت و آماده‌سازی‌های روسیه برای برگراری المپیک زمستانی سوچی در سال ۲۰۱۳ می‌داند. بمب‌گذاری بوستون ممکن است همدردی آمریکا را در رابطه با سیاستگذاری سخت‌رو روسیه در قفقاز شمالی برانگیزد. اما در درازمدت بعید است که سرکوب به برقراری امنیت بیشتر برای روسیه منجر شود.

THE ECONOMIST, April 27th 2013

جهان

ادامه از صفحه ۸

شنود و جاسوسی از منظر حقوق‌بین‌الملل

مکتوبات افسراد تا زمانی که از طرف صاحب آنها اجازه داده نشود خصوصی بوده و تلاش برای اطلاع از آنها نقض حریم خصوصی است.

البته باید ادنی قید را اضافه کرد که برخی مکاتبات به واسطه اینکه حامل اطلاعات مهمی در موارد جرایم یا حقوق عمومی هستند با سادالت مقامات صالحه قضایی و در جریان دادرسی، قابل دسترسی و استفاده برای مقامات مذکور هستند.

– ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

۱ – هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود.

۲ – هر کسی حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار شود. ماده ۱۷ میثاق تا حدودی همان پیام ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارد. با این تفاوت که در ماده ۱۷ پای قوانین را به میان کشیده و ورود به حریم خصوصی افراد را با مجوز قانون قبول کرده است. ماده ۱۷ میثاق مداخلاتی را که وقفی قانون باشد نقض حریم خصوصی نمی‌داند و به نوعی قوای عمومی و قانونی را در ورود به حریم خصوصی افراد اعم از اقامتگاه مکاتبات زندگی خصوصی و خانوادگی محق می‌داند.

برابر ماده ۱۷ هر گاه قانون اجازه

ورود به حریم خصوصی اشخاص را صادر کند شخص نمی‌تواند در مقابل آن مقاومت کرده و به حراست از حریم خصوصی خود برخیزد زیرا این امر با اراده و خواست قانون صورت گرفته است و قانون انعکاس و تجسم و بیان اراده عمومی است (ماده ۶



و نمی‌توان به بهانه دفاع از حریم خصوصی مانع از اعمال اراده عمومی شد اما می‌توان نحوه عمل اراده عمومی را مشخص و قانونمند کرد. ماده ۱۷ میثاق با این مجوز به دفاع از حقوق عمومی در مقابل بخشی از حقوق خصوصی افراد پرداخته است بند دو ماده ۱۷ به افراد حق می‌دهد که در مقابل تعرضات غیرقانونی به حریم خصوصی آنها اقدام کند و به هر شرطی که این تعرضات غیرقانونی باشند بنابراین چنانچه متعیش

منازل به دستور قاضی و به موجب قانون باشد حریمی برای شخصی باقی نخواهد ماند تا آن را خصوصی قلمداد کرده و به دفاع از آن برخیزد. در اینجاست دفاع از حریم مقاومت در مقابل قانون محسوب و حمایت نخواهد شد. بنابراین ملاحظه می‌شود اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر هر نوع نقض حریم خصوصی افراد اشخاص دولت‌ها و سازمان‌ها و گروه‌ها را ممنوع اعلام کرده است اما متأسفانه ضمانت اجرایی برای آن تبیین نکرده است. در حال حاضر دولت‌ها برای مقابله با این اقدام غیرقانونی از منظر حقوق بین‌الملل از مکاتیبس‌هایی که صرفاً در برخورد‌های دیپلماتیک به حساب می‌آیند استفاده می‌کنند. احضار سفیر یا کاردار، تقدیم اعتراض نامه، ارایه گزارش به دبیر کل سازمان ملل متحد، فراخواندن سفیر خود یا اقدام مقابل یا کاهش درجه روابطی را می‌توان نام برد. واقعیت مساله این است هیچ دولتی نباید به بهانه حفظ امنیت بین‌المللی خود اقدام به نقض حریم خصوصی افراد و شهروندان خود، دول و ملل دیگر یا نقض مقررات حقوق بین‌الملل مرتبط با این امر را کند.

• کارشناس حقوق بین‌الملل

ادامه از صفحه ۷

هر انسانی مسوول آزادی خویشتن است

۱۲ اگر خشونت ماندا در برابر آپارتاید توجیه دارد، پس می‌توان خشونت خیلی‌ها را نیز حتی خشونت پوش، بن لادن و… را توجیه کرد چون آنها هم با شعارهای فشنگی مبارزه می‌کنند.

انجیل اندبلیه: توجیه خشونت، متکی بر فریاد عدالت است و اینکه تمام راه‌های مشروع و مسالمت‌آمیز، به بن‌بست رسیده است. تفکر نلسون ماندلا در این مورد بسیار واضح بود. قبل از اینکه به خشونت دست بزنیم، باید بدانیم آیا تمام راه‌های مسالمت‌آمیز دیگر آزموده شده و به نتیجه نرسیده است؟ یعنی نباید تنها زمانی از خشونت استفاده کرد که هیچ راه موثر و تاثیرگذار دیگری را نتوان به کار گرفت.

آیا در مبارزه با آپارتاید مدرن، رویکرد مسلحانه ماندلا، توصیه می‌شود؟

انجیل اندبلیه: نه، تلاش‌های مستمر برای عدالت در آفریقای شمالی در مناطقی اتفاق می‌افتد که بیشتر پذیرای ابزارهای صلح هستند. روش «آخرین راه‌حل» نمی‌تواند با موفقیت به اتمام برسد.

۱۲ حیات و اندیشه ماندلا، چه پیامی برای اندیشه‌های نژادپرستانه حاکم در جهان فعلی دارد؟ چه کار کنیم که این پیام به مغز آنها بنشیند و بر آنها تاثیر بگذارد.

انجیل اندبلیه: بنده معتقد هستم پیام اصلی ماندلا برای وضعیت نژادپرستی مدرن و تبعیض‌های فعلی این است که هر انسانی باید برای آزادی خود مسوولیت داشته باشد. در عین حال، هر انسانی باید مسوول تلاش برای آزادی کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند نیز باشد.

ماندلا مسلح به زندان رفت و بعد از ۲۷سال، صلح‌طلب از زندان بیرون آمد. دلیل این تغییر اساسی، چه بود؟ زندان طولانی و دوری از اجتماع، مطالعات درون زندان یا تغییر جهان؟

انجیل اندبلیه: هیچ تغییر اساسی در خود ماندلا اتفاق نیفتاده بود. این شرایط بود که تغییر کرده بود. زمان کشکمش نظامی به پایان رسیده و فضا برای مذاکرات به وجود آمده بود.

آساسا خشونت و صلح چگونه می‌تواند در وجود یک فرد جمع شود؟ آیا خشونت ماندلا را می‌توان به‌نوعی از مبارزه برای آزادی تاولیل کرد و آنها را استثنا دانست؟

انجیل اندبلیه: لطفا جواب سوال ۵ مرا ببینید. صلح، هدف است. ابزارهای صلح‌آمیز، ابزارهای برگزیده هستند. صلح آری؛ حتی اگر هزینه زیادی برایش پرداخته شود. اما صلحی که نتیجه‌هر نوع هزینه‌ای باشد، هرگز.

۱۲ زمانی، جهان ماندلا را تروریست خطاب می‌کرد همان‌طور که دیک جسنی چنین کرد و زمانی دیگر به او جایزه نوبل داد. چرا دیدگاه جهانی اینقدر نسبت به یک فرد تغییر می‌کند؟ آیا جهان، خشونت او را برای مبارزه با آپارتاید بخشیده است؟

انجیل اندبلیه: جهان، نقش بزرگ ماندلا را در مبارزات مسلحانه فراموش کرده است.

۱۲ ماندلا در مرحله‌ای از مبارزه به مذاکرات سازش با رژیم آپارتاید رو آورد. این مذاکرات، محصول روندی بود؟ چگونه ماندلا از مبارزه به مذاکره رسید؟ انجیل اندبلیه: نلسون ماندلا این تغییر را ایجاد نکرد. این مبارزه طولانی او بود که رژیم آپارتاید را اجبارا به میز مذاکره نشاند. در هر حال صلح همیشه هدف بوده است.

۱۲ ماندلا در برخورد با غر ب بسیار رادیکال عمل می‌کند. او زمانی دیک جنی را دایناموس خوانند و زمانی دیگر، جورج پوش را به نژادپرستی در برابر کوفی عنان متهم کرد. رابطه ماندلا با غر ب چرا اینقدر رادیکال است آیا این رفتار، در تضاد با اندیشه صلح‌جویانه او نیست؟

انجیل اندبلیه: من اینجا هیچ تناقضی نمی‌بینم. بی‌عدالتی و مبارزه باید مطر ح شود بی توجه به اینکه این بی‌عدالتی و مبارزه کنندگان کجا قرار دارند و اینکه چه کسی مسوول آن است.

۱۲ آیا ماندلا در دوران قدرت نیز ماندلای صلح‌طلب ماند؟ پرورنده او را در مقابله با تبعیض نژادی و دادگاه‌های مربوطه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ انجیل اندبلیه: بله، دولت او یک دوره دموکراسی را معرفی کرد؛ دوره‌ای که منظره و بحث درباره صلح را ممکن کرد.

۱۲ ماندلا موافقان و طرفداران زیادی دارد اما در مواردی مخالفان جدی هم مجلس کانادا داشته است. مخالفان و منتقدان ماندلا چه می‌گویند؟

کدام دیدگاه او این مخالفان را می‌آزارد؟

انجیل اندبلیه: ماندلا منتقدان خود را دارد؛ اما من ترجیح می‌دهم اجازه دهم آنها هر چه می‌خواهند بگویند.

۱۲ به نظر می‌رسد جهان ما به بت‌سازی مبتلا شده است. آیا از ماندلا نیز بت ساخته‌ایم یا ماندلا واقعا ماندلایی است که جهان می‌پرستد؟

انجیل اندبلیه: ماندلا خود ناراحت‌اش را به‌شدت درباره شرایطی که او را تا حد یک بت، تندیس یا یک فرد مقدس بالا می‌برند، ابراز کرده است.

۱۲ راه ماندلا چقدر توصیه می‌شود؟ ماندلا بودن چقدر مفید است؟ آیا ماندلا به اندازه شهرت خود، در روند صلح جهانی موثر است؟

انجیل اندبلیه: چیزی که شما آن را «راه ماندلا» می‌نامید، در آفریقای شمالی و در جاهای دیگر جهان موثر بوده است. این استراتژی نه‌تنها یک راهبرد شخصی بلکه در بسیاری مواقع، به‌عنوان راه و روش یک جنبش سیاسی و ستری مطرح شده است و البته این استراتژی نیاز به وفق با اقتضای زمانی و مکانی دارد.

ادامه از صفحه ۸

پایانی بر رویای یک رفافت سیاسی؟

جنبش خدمت فاقد ساختار رسمی و سازمان مشخص است و عضو رسمی ندارد. اما توانسته به یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اسلامی جهان تبدیل شود. این جنبش اتمام اجماع عالم‌منفعه را تبلیغ می‌کند و پیروان آن می‌گویند که در چارچوب اتحادیه‌ای نه‌چندان مستحکم و ملهم از عقاید گولن با هم کار می‌کنند. این پیشواى مذهبی فراتر از روالدار از اسلام را ترویج می‌کند که بر نوع دوستی، کار تلاش و آموزش قائدی می‌کند. گفته می‌شود جنبش خدمت در ترکیه میلیون‌ها پیرو دارد و برخی از این افراد در نهادهای قدرت، از پلیس و سرویس‌های مخفی گرفته تا دستگاه قضایی و خود حزب عدالت و توسعه، پست‌هایی کلیدی دارند. در سال ۱۹۹۹ ویدیویی منتشر شد که در آن به‌نظر می‌رسد که گولن به پیروانش می‌گوید باید سعی کنند به ساختارهای موجود قدرت نفوذ کنند. گولن در این ویدیو می‌گوید: «شما باید بدون اینکه کسی متوجه حضورتان شود، در شراب‌های سیستم رخنه کنید، تا اینکه به تمام مراکز قدرت برسید. شما باید سبک و سبکی همه قدرت حکومت به دستتان بیاقت؛ تا موقعی که همه قدرت نهادهای منبعث از قانون اساسی در کنارتان قرار گیرد.» یکسال بعد، گولن به تلاش برای تضعیف حکومت سکولار ترکیه متهم شد. اما بعداً از همه این اتهامات تبرئه شد. بسیاری از منتقدان برجسته جنبش خدمت در ترکیه به زندان افتاده‌اند. همین است که برخی می‌گویند این جنبش در ترکیه به نیرویی مسلط و اهریمنی تبدیل شده است. شاید به همین دلیل جالش میان گولن و اردوغان اصلا عجیب نبود. جنبش خدمت، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و تجارت خودش را دارد و در بوروکراسی ترکیه تنها چیزی است که به‌نظر می‌رسد می‌تواند قدرت اردوغان را به چالش بکشد. اگر اردوغان بتواند این چالش را با موفقیت به پایان برساند، به‌عنوان نافذترین فیکور سیاسی تاریخ مدرن ترکیه شناخته خواهد شد، به‌علاوه جنبش خدمت به ه‌بروی فتح‌الح گولن را برای همیشه متکوب خواهد کرد.